

كتاب بیست گفتار

بیست گفتار

الحادی
بیست
گفتار

عدل

اهمیت آن

جزء اصول مذهب ماست

علت انحراف مسلمین از آن

بد عمل شدن (سوء نیت در اجرا)
بد تفسیر شدن

مساوات مطلوب نیست

ممکن نیست

هر چیزی سر جای خودش

اعطاء کل ذی حق حقه

بد عمل شدن

به منزله فلسفه اجتماعی

نه صرفا عدالت اخلاقی

نه فقط عادل بلکه عدالت خواه

برتری عدل بر جود

در نحوه اعمال حکومت

اتمام حجت در ابتدای خلافت

فی العدل سعة

بحث حق و تکلیف و مناصب اجتماعی

عدالت علی (ع)

بد تفسیر شدن آیا جهان بر اساس عدل است؟ (نظام تکوین)

آیا اسلام بر اساس عدل است؟ (نظام تشريع) ← حسن و قبح ذاتی : اثر آن

دخلات عقل در استنباط احکام شرعی : پذیرش آن

دچار جمود می شویم : رد آن

تفسیر صحیح ← اسلام فلسفه اجتماعی و حقوقی دارد : مبانی اولیه حقوق

آیا حق یک رابطه قراردادی با صاحب خویش دارد یا یک رابطه طبیعی؟

اگر حق فقط قراردادی باشد → تکلیف ضعفا چه می شود؟

المقدس نیست، ضمانت ندارد، ارزش فدایکاری ندارد
(نظر مکاتب غربی)

خود غربی ها هم بدیهی ترین حق را حق فاعلی می دانند که

مسلمان حق طبیعی و واقعی است نه قراردادی

← پس حق یک امر طبیعی و واقعی است

رابطه واقعی = رابطه علی ← اقسام علت ← علل داخلي: علت مادی و صوری

علل خارجی ← فاعلی

غایی

راه کشف رابطه واقعی : هرگاه بین دو چیز رابطه فاعلی
[غایی] برقرار شد بحث حق در آنجا مطرح
می شود

در حیوانات چون عقل و اراده نیست و فقط غریزه هست رابطه غایی برای ذی حق شدن کافی است

در انسان جاییکه عقل و اراده(تکلیف) مدخلیت ندارد تخصصا از بحث خارج است
[(شبيه امور غريزي)
تخصيصا از بحث خارج است
(تکلیف ما لا يطاق است)]

← علت غایی برای بالفعل شدن حق کافی است پس کمک در اینجا عدل است نه جود

جاییکه عقل و اراده(تکیف) مدخلیت دارد : علت غایی صرفا موجب حق بالقوه می شود
و با علت فاعلی به صورت بالفعل در می آید

تفکر اهمیت آن قرآن : تأکید فراوان و مکرر بر تفکر و تبیین اثر فقدان آن در انحراف پیشینیان

سنت : روایات متعدد ، مثلا : تفکر ساعه افضل من عبادة سبعین سنه

انواع آن سطحی : آسان و بی فایده یا کم فایده عمیق و دقیق : مشکل ولی مفید و سرمایه روح بشر

موضوع آن : خلق آسمان و زمین، اختلاف شب و روز، کشتی در دریا، مخلوقات شامل شترو...

مايه آن : علم*

اثر آن : علم به ارتباط اجزاء عالم ثمره نهایی اش توحید است

آفت آن ناظر به موضوع : تفکر در موضوعات عبث و غیر اولویت دار
ناظر به متفکر : نوع شناخت بشر صرفا از راه ایجاد تقابل و تضاد است و چون خدا مطلق است و شناخت بشر مبنی بر حس محدود تقابل نگر، لذا شناخت محسوس توان درک مطلق را ندارد و نمی یابد

*علم پله های علم : (غرور و خود بیانی)، (تواضع و جهان بیانی)، (حیرت و ندانی)

دلیل ضرورت آن : التزام به شئ التزام به لوازم آن را ایجاد می کند و تفکر بدون علم معنی و امکان ندارد

آفت آن : طغیان به خاطر نقصان بر خلاف ثروت و قدرت

اهمیت کسب کامل آن : عدم علم از علم ناقص موجب طغیان بهتر است

پیمان خدا از بشر در این باب تصدیق بی جا نکند

(عدم وضع چیزی از جانب خویش)

تکذیب بی جا نکند

(عدم رد در موقع جهل و ناآگاهی)

محدودیت بشر : از دست دادن اهمیت موضوعات به خاطر تکرار شدنشان

نوع علم مورد تأکید و تأیید اسلام : نافع دینی

ساکت

معارض